
نگاهی گذرا به زندگانی
پرحماسه سالار شهیدان
حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام


بسم الله الرحمن الرحیم

نگاهی گذرا به زندگانی پرحماسه سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام)

نویسنده:

مسعود شفیعی کیا

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

نگاهی گذرا به زندگانی پرحماسه سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین

مشخصات کتاب

نویسنده : مسعود شفیعی کیا

ناشر : مسعود شفیعی کیا

میلاد نور

بسم الله الرحمن الرحیمدر روز سوم ماه شعبان سال چهارم هجرت [۱] دومین فرزند برومند حضرت علی (ع) و فاطمه (س)، که درود خدا بر ایشان باد، در خانه وحی و ولایت چشم به جهان گشود.چون خبر ولادتش به پیامبر گرامی اسلام (ص) رسید، به خانه حضرت علی (ع) و فاطمه (س) آمد و اسما [۲] را فرمود تا کودکش را بیاورد.اسما او را در پارچه ای سپید پیچید و خدمت رسول اکرم (ص) برد، آن گرامی به گوش راست او اذان و به گوش چپ او اقامه گفت. [۳] .به روزهای اول یا هفتمین روز ولادت با سعادتش، امین وحی الهی، جبرئیل، فرود آمد و گفت: سلام خداوند بر تو باد ای رسول خدا، این نوزاد را به نام پسر کوچک هارون (شبیر) [۴] که به عربی (حسین) خوانده میشود نام بگذار. [۵] .چون علی برای تو بسان هارون برای موسی بن عمران است، جز آن که تو خاتم پیغمبران هستی.و به این ترتیب نام پر عظمت حسین علیه السلام از جانب پروردگار، برای دومین فرزند حضرت فاطمه (س) انتخاب شد.به روز هفتم ولادتش، فاطمه زهرا که سلام خداوند بر او باد، گوسفندی را برای فرزندش به عنوان عقیقه [۶] کشت، و سر آن حضرت را تراشید و هموزن موی سر او نقره صدقه داد. [۷] .

امام حسین و رسول الله

از ولادت حسین بن علی (ع) که در سال چهارم هجرت بود تا رحلت رسول الله (ص) که شش سال و چند ماه بعد اتفاق افتاد، مردم از اظهار محبت و لطفی که پیامبر راستین اسلام (ص) درباره حسین (ع) ابراز میداشت، به بزرگواری و مقام شامخ

پیشوای سوم آگاه شدند.سلمان فارسی میگوید: دیدم که رسول خدا (ص) حسین (ع) را بر زانوی خویش نهاده او را می بوسید و میفرمود: تو بزرگوار و پسر بزرگوار و پدر بزرگوارانی، تو امام و پسر امام و پدر امامان هستی، تو حجت خدا و پسر حجت خدا و پدر حجتهای خدایی که نه نفرند و خاتم ایشان، قائم ایشان (امام زمان عج) میباشد. [۸] .انس بن مالک روایت میکند: وقتی از پیامبر پرسیدند کدام یک از اهل بیت خود را بیشتر دوست میداری، فرمود: حسن و حسین را [۹] بارها رسول گرامی حسن (ع) و حسین (ع) را به سینه می فشرد و آنان را می بویید و می بوسید. [۱۰] .ابوهریره که از مزدوران معاویه و از دشمنان خاندان امامت است، در عین حال اعتراف میکند که: رسول اکرم را دیدم که حسن و حسین را بر شانه های خویش نشانده بود و به سوی ما می آمد، وقتی به ما رسید فرمود هر کس این دو فرزندم را دوست بدارد مرا دوست داشته، و هر که با آنان دشمنی ورزد با من دشمنی نموده است. [۱۱] .عالیترین، صمیمی ترین و گویاترین رابطه معنوی و ملکوتی بین پیامبر و حسین را میتوان در این جمله رسول گرامی اسلام (ص) خواند که فرمود: حسین از من و من ازحسینم. [۱۲] .

امام حسین با امیرالمؤمنین

شش سال از عمرش با پیامبر بزرگوار سپری شد، و آن گاه که رسول خدا (ص) چشم از جهان فروبست و به لقای پروردگار شتافت، مدت سی سال با پدر زیست.پدری که جز به انصاف حکم نکرد، و جز به طهارت و بندگی

نگذرانید، جز خدا ندید و جز خدا نخواست و جز خدا نیافت.پدری که در زمان حکومتش لحظه ای او را آرام نگذاشتند، همچنان که به هنگام غصب خلافتش جز به آزارش برنخاستند.در تمام این مدت، با دل و جان از امر پدر اطاعت میکرد، و در چند سالی که حضرت علی (ع) متصدی خلافت ظاهری شد، حضرت امام حسین (ع) در راه پیشبرد اهداف اسلامی، مانند یک سرباز فداکار همچون برادر بزرگوارش میکوشید، و در جنگهای جمل، صفین و نهروان شرکت داشت. [۱۳] .و به این ترتیب، از پدرش امیرالمؤمنین (ع) و دین خدا حمایت کرد و حتی گاهی در حضور جمعیت به غاصبین خلافت اعتراض میکرد.در زمان حکومت عمر، امام حسین (ع) وارد مسجد شد، خلیفه دوم را بر منبر رسول الله (ص) مشاهده کرد که سخن میگفت.بلا درنگ از منبر بالا رفت و فریاد زد: از منبر پدرم فرود آی.... [۱۴] .

امام حسین با برادر

پس از شهادت حضرت علی (ع)، به فرموده رسول خدا (ص) و وصیت امیرالمؤمنین (ع) امامت و رهبری شیعیان به حسن بن علی (ع)، فرزند بزرگ امیرالمؤمنین (ع)، منتقل گشت و بر همه مردم واجب و لازم آمد که به فرامین پیشوایشان امام حسن (ع) گوش فرا دارند.امام حسین (ع) که دست پرورد وحی محمدی و ولایت علوی بود، همراه و همکار و همفکر برادرش بود.چنان که وقتی بنا بر مصالح اسلام و جامعه مسلمانان و به دستور خداوند بزرگ، امام حسن (ع) مجبور شد که با معاویه صلح کند و آن همه ناراحتیها را تحمل نماید، امام حسین (ع) شریک رنجهای برادر بود و چون میدانست که این صلح به

صلاح اسلام و مسلمین است، هرگز اعتراض به برادر نداشت و حتی یک روز که معاویه، در حضور امام حسن (ع) وامام حسین (ع) دهان آلوده اش را به بدگویی نسبت به امام حسن (ع) و پدر بزرگوارشان امیرمؤمنان (ع) گشود، امام حسین (ع) به دفاع برخاست تا سخن در گلوی معاویه بشکند و سزای ناهنجاریش را به کنارش بگذارد، ولی امام حسن (ع) او را به سکوت و خاموشی فراخواند، امام حسین (ع) پذیرا شد و به جایش بازگشت، آن گاه امام حسن (ع) خود به پاسخ معاویه برآمد، و با بیانی رسا و کوبنده خاموشش ساخت. [۱۵] .

امام حسین در زمان معاویه

چون امام حسن (سلام خدا و فرشتگان خدا بر او باد) به شهادت رسیدند، به گفته رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و وصیت حسن بن علی (ع) امامت و رهبری شیعیان به امام حسین (ع) منتقل شد و از طرف خدا مأمور رهبری جامعه گردید.امام حسین (ع) میدید که معاویه با اتکا به قدرت اسلام، بر اریکه حکومت اسلام به ناحق تکیه زده، سخت مشغول تخریب اساس جامعه اسلامی و قوانین خداوند است، و از این حکومت پوشالی مخرب به سختی رنج میبرد، ولی نمیتوانست دستی فراز آورد و قدرتی فراهم کند تا او را از جایگاه حکومت اسلامی پایین بکشد، چنانچه برادرش امام حسن (ع) نیز وضعی مشابه او داشت.امام حسین (ع) میدانست اگر تصمیمش را آشکار سازد و به سازندگی قدرت بپردازد، پیش از هر جنبش و حرکت مفیدی به قتلش میرساند، ناچار دندان بر جگر نهاد و صبر را پیشه ساخت که اگر برمی خواست، پیش از اقدام به دسیسه

کشته میشد، و از این کشته شدن هیچ نتیجه ای گرفته نمیشد.بنابراین تا معاویه زنده بود، چون برادر زیست و علم مخالفتهای بزرگ نیفراخت، جز آن که گاهی محیط و حرکات و اعمال معاویه را به باد انتقاد میگرفت و مردم را به آینده نزدیک امیدوار میساخت که اقدام مؤثری خواهد نمود.و در تمام طول مدتی که معاویه از مردم برای ولایت عهدی یزید، بیعت میگرفت، امام حسین علیه السلام به شدت با او مخالفت کرد، و هرگز تن به بیعت یزید نداد و ولیعهدی او را نپذیرفت و حتی گاهی سخنانی تند به معاویه گفت و یا نامهای کوبنده برای او نوشت. [۱۶] .معاویه هم در بیعت گرفتن برای یزید، به او اصراری نکرد و امام (ع) همچنین بود و ماند تا معاویه هلاک شد...

قیام حسینی

یزید پس از معاویه بر تخت حکومت اسلامی تکیه زد و خود را امیرالمؤمنین خواند، و برای این که سلطنت ناحق و ستمگرانه اش را تثبیت کند، مصمم شد برای نامداران و شخصیتهای اسلامی پیامی بفرستد و آنان را به بیعت با خویش بخواند.به همین منظور، نامه ای به حاکم مدینه نوشت و در آن یادآور شد که برای من از حسین (ع) بیعت بگیر و اگر مخالفت نمود بقتلش برسان.حاکم این خبر را به امام حسین (ع) رسانید و جواب مطالبه نمود.امام حسین (ع) چنین فرمود: انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام اذا بلیت الامه براع مثل یزید. [۱۷] .آن گاه که افرادی چون یزید، (شرابخوار و قمارباز و بی ایمان و ناپاک که حتی ظاهر اسلام را هم مراعات نمیکند) بر مسند حکومت

اسلامی بنشیند، باید فاتحه اسلام را خواند.(زیرا این گونه زمامدارها با نیروی اسلام و به نام اسلام، اسلام را از بین میبرند.)امام حسین (ع) میدانست اینک که حکومت یزید را به رسمیت نشناخته است، اگر در مدینه بماند به قتلش میرسانند، لذا به امر پروردگار، شبانه و مخفی از مدینه به سوی مکه حرکت کرد.آمدن آن حضرت به مکه، همراه با سرباز زدن او از بیعت یزید، در بین مردم مکه و مدینه انتشار یافت، و این خبر تا به کوفه هم رسید.کوفیان ازامام حسین (ع) که در مکه بسر میبرد دعوت کردند تا به سوی آنان آید و زمامدار امورشان باشد.امام (ع) مسلم بن عقیل، پسر عموی خویش را به کوفه فرستاد تا حرکت و واکنش اجتماع کوفی را از نزدیک ببیند و برایش بنویسد.مسلم به کوفه رسید و با استقبال گرم و بی سابقه ای روبرو شد، هزاران نفر به عنوان نایب امام (ع) با او بیعت کردند، و مسلم هم نامه ای به امام حسین (ع) نگاشت و حرکت فوری امام (ع) را لازم گزارش داد.هر چند امام حسین (ع) کوفیان را به خوبی می شناخت، و بی وفایی و بی دینیشان را در زمان حکومت پدر و برادر دیده بود و میدانست به گفته ها و بیعتشان با مسلم نمی توان اعتماد کرد، و لیکن برای اتمام حجت و اجرای اوامر پروردگار تصمیم گرفت که به سوی کوفه حرکت کند.با این حال تا هشتم ذیحجه، یعنی روزی که همه مردم مکه عازم رفتن به منی بودند [۱۸] و هر کس در راه مکه جا مانده بود با عجله تمام میخواست خود

را به مکه برساند، آن حضرت در مکه ماند و در چنین روزی با اهل بیت و یاران خود، از مکه به طرف عراق خارج شد و با این کار هم به وظیفه خویش عمل کرد و هم به مسلمانان جهان فهماند که پسر پیغمبر امت، یزید را به رسمیت نشناخته و با او بیعت نکرده، بلکه علیه او قیام کرده است.یزید که حرکت مسلم را به سوی کوفه دریافته و از بیعت کوفیان با او آگاه شده بود، ابن زیاد را (که از پلیدترین یاران یزید و از کثیف ترین طرفداران حکومت بنی امیه بود) به کوفه فرستاد.ابن زیاد از ضعف ایمان و دورویی و ترس مردم کوفه استفاده نمود و با تهدید و ارعاب، آنان را از دور و بر مسلم پراکنده ساخت، و مسلم به تنهایی با عمال ابن زیاد به نبرد پرداخت، و پس از جنگی دلاورانه و شگفت، با شجاعت شهید شد.(سلام خدا بر او باد).و ابن زیاد جامعه دورو و خیانتکار و بی ایمان کوفه را علیه امام حسین (ع) برانگیخت، و کار به جایی رسید که عده ای از همان کسانی که برای امام (ع) دعوتنامه نوشته بودند، سلاح جنگ پوشیدند و منتظر ماندند تا امام حسین (ع) از راه برسد و به قتلش برسانند.امام حسین (ع) از همان شبی که از مدینه بیرون آمد، و در تمام مدتی که در مکه اقامت گزید، و در طول راه مکه به کربلا، تا هنگام شهادت، گاهی به اشاره، گاهی به صراحت، اعلان میداشت که: مقصود من از حرکت، رسوا ساختن حکومت ضد اسلامی یزید وبرپا داشتن امر به معروف

و نهی از منکر و ایستادگی در برابر ظلم و ستمگری است و جز حمایت قرآن و زنده داشتن دین محمدی هدفی ندارم.و این مأموریتی بود که خداوند به او واگذار نموده بود، حتی اگر به کشته شدن خود و اصحاب و فرزندان و اسیری خانواده اش اتمام پذیرد.رسول گرامی (ص) و امیرمؤمنان (ع) و حسن بن علی (ع) پیشوایان پیشین اسلام، شهادت امام حسین (ع) را بارها بیان فرموده بودند.حتی در هنگام ولادت امام حسین (ع)، رسول گرانمایه اسلام (ص) شهادتش را تذکر داده بود. [۱۹] .و خود امام حسین (ع) به علم امامت میدانست که آخر این سفر به شهادتش می انجامد، ولی او کسی نبود که در برابر دستور آسمانی و فرمان خدا برای جان خود ارزشی قائل باشد، یا از اسارت خانواده اش واهمه ای به دل راه دهد.او آن کس بود که بلا را و شهادت را سعادت می پنداشت.(سلام ابدی خدا بر او باد).خبر شهادت امام حسین (ع) در کربلا به قدری در اجتماع اسلامی مورد گفتگو واقع شده بود که عامه مردم از پایان این سفر مطلع بودند.چون جسته و گریخته، از رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن بن علی (ع) و دیگر بزرگان صدر اسلام شنیده بودند.بدین سان حرکت امام حسین (ع) با آن درگیریها و ناراحتیها احتمال کشته شدنش را در اذهان عامه تشدید کرد.بویژه که خود در طول راه میفرمود: من کان باذلا فینا مهجته و موطنا علی لقاء الله نفسه فلیرحل معنا. [۲۰] .هر کس حاضر است در راه ما از جان خویش بگذرد و به ملاقات پروردگار بشتابد، همراه

ما بیاید.و لذا در بعضی از دوستان این توهم پیش آمد که حضرتش را از این سفر منصرف سازند.غافل از این که فرزند علی بن ابی طالب (ع) امام و جانشین پیامبر، و از دیگران به وظیفه خویش آگاه تر است و هرگز از آنچه خدا بر عهده او نهاده دست نخواهد کشید.باری امام حسین (ع) با همه این افکار و نظریه ها که اطرافش را گرفته بود به راه خویش ادامه داد، و کوچکترین خللی در تصمیمش راه نیافت.سرانجام، رفت، و شهادت را دریافت.نه خود تنها، بلکه با اصحاب و فرزندان که هر یک ستارهای درخشان در افق اسلام بودند، رفتند و کشته شدند، و خونهایشان شنهای گرم دشت کربلا را لاله باران کرد تا جامعه مسلمانان بفهمد یزید (باقیمانده بسترهای گناه آلود خاندان امیه) جانشین رسول خدا نیست، و اساسا اسلام از بنی امیه و بنی امیه از اسلام جداست.راستی هرگز اندیشیده اید اگر شهادت جانگداز و حماسه آفرین حسین (ع) به وقوع نمی پیوست و مردم یزید را خلیفه پیغمبر (ص) میدانستند، و آن گاه اخبار دربار یزید و شهوت رانیهای او و عمالش را می شنیدند، چقدر از اسلام متنفر می شدند، زیرا اسلامی که خلیفه پیغمبرش یزید باشد، به راستی نیز تنفرآور است... و خاندان پاک حضرت امام حسین (ع) نیز اسیر شدند تا آخرین رسالت این شهادت رابه گوش مردم برسانند.و شنیدیم و خواندیم که در شهرها، در بازارها، در مسجدها، در بارگاه متعفن پسر زیاد و دربار نکبت بار یزید، هماره و همه جا دهان گشودند و فریاد زدند، و پرده زیبای فریب را از چهره زشت و

جنایتکار جیره خواران بنی امیه برداشتند و ثابت کردند که یزید سگباز و شرابخوار است، هرگز لیاقت خلافت ندارد و این اریکه ای که او بر آن تکیه زده جایگاه او نیست.سخنانشان رسالت شهادت حسینی را تکمیل کرد، طوفانی در جانها برانگیختند، چنان که نام یزید تا همیشه مترادف با هر پستی و رذالت و دناءت گردید و همه آرزوهای طلایی و شیطانیش چون نقش بر آب گشت.نگرشی ژرف میخواهد تا بتوان بر همه ابعاد این شهادت عظیم و پر نتیجه دست یافت.از همان اوان شهادتش تا کنون، دوستان و شیعیانش، و همه آنان که به شرافت و عظمت انسان ارج میگذارند، همه ساله سالروز به خون غلتیدنش را، سالروز قیام و شهادتش را با سیاهپوشی و عزاداری محترم می شمارند، و خلوص خویش را با گریه برمصایب آن بزرگوار ابراز میدارند.پیشوایان ما، همماره به واقعه کربلا ـ و به زنده داشتن آن عنایتی خاص داشتند.غیر از این که خود به زیارت مرقدش می شتافتند و عزایش را بر پا میداشتند، در فضیلت عزاداری و محزون بودن برای آن بزرگوار، گفتارهای متعددی ایراد فرموده اند.ابوعماره گوید: روزی به حضور امام ششم صادق آل محمد (ع) رسیدم، فرمود اشعاری در سوگواری حسین برای ما بخوان.وقتی شروع به خواندن نمودم صدای گریه حضرت برخاست، من میخواندم و آن عزیز میگریست، چندان که صدای گریه از خانه برخاست.بعد از آن که اشعار را تمام کردم، امام (ع) در فضلیت و ثواب مرثیه و گریاندن مردم بر امام حسین (ع) مطالبی بیان فرمود. [۲۱] .و نیز از آن جناب است که فرمود: گریستن و بیتابی کردن در هیچ مصیبتی شایسته

نیست مگر در مصـیبت حسین بن علی، که ثواب و جزایی گرانمایه دارد. [۲۲] .باقرالعلوم، امام پنجم (ع) به محمد بن مسلم که یکی از اصحاب بزرگ او است فرمود: به شیعیان ما بگویید که به زیارت مرقد حسین بروند، زیرا بر هر شخص با ایمانی که به امامت ما معترف است، زیارت قبر اباعبدالله لازم میباشد. [۲۳] .امام صادق (ع) میفرماید: ان زیاره الحسین علیه السلام افضل ما یکون من الاعمال.همانا زیارت حسـین (ع) از هر عمل پسندیدهای ارزش و فضیلتش بیشتر است. [۲۴] .زیرا که این زیارت در حقیقت مـدرسه بزرگ و عظیم است که به جهانیان درس ایمان و عمل صالـح میدهد و گویی روح را به سوی ملکوت خوبیها و پاکدامنیها و فداکاریها پرواز میدهد.هر چند عزاداری و گریه بر مصایب حسـین بن علی (ع)، و مشرف شدن به زیارت قبرش و بازنمایانـدن تاریخ پرشـکوه و حماسه ساز کربلایش ارزش و معیاری والا دارد، لکن باید دانست که نباید تنها به این زیارتها و گریه ها و غم گساریـدن اکتفا کرد، بلکه همه این تظاهرات، فلسـفه دینداری، فداکاری و حمایت از قوانین آسـمانی را به ما گوشـزد می نمایـد، و هـدف هم جز این نیست، و نیاز بزرگ ما از درگاه حسـینی آموختن انسانیت و خالی بودن دل از هر چه غیر از خداست میباشد، و گرنه اگر فقط به صورت ظاهر قضیه بپردازیم، هدف مقدس حسینی به فراموشی میگراید.

اخلاق و رفتار امام حسین

بـا نگـاهی اجمالی به ۵۶ سـال زنـدگی سراسـر خـداخواهی و خـداجویی امـام حسـین (ع)، درمی یـابیم کـه همـاره وقت او به پاکدامنی و بندگی و نشر رسالت احمدی و مفاهیم عمیقی

والاتراز درک و دید ما گذشته است.اکنون مروری کوتاه به زوایای زندگانی آن عزیز، که پیش روی ما است: جنابش به نماز و نیایش با پروردگار و خواندن قرآن و دعا و استغفار علاقه بسیاری داشت.گاهی در شبانه روز صدها رکعت نماز میگزاشت. [۲۵] .و حتی در آخرین شب زندگی دست از نیاز و دعا برنداشت، و خوانده ایم که از دشمنان مهلت خواست تابتواند با خدای خویش به خلوت بنشیند.و فرمود: خدا میداند که من نماز و تلاوت قرآن و دعای زیاد و استغفار را دوست دارم. [۲۶] .حضرتش بارها پیاده به خانه کعبه شتافت و مراسم حج را برگزار کرد. [۲۷] .ابن اثیر در کتاب اسد الغابه مینویسد: کان الحسین رضی الله عنه فاضلا کثیر الصوم و الصلوه و الحج و الصدقه و افعال الخیر جمیعها. [۲۸] .حسین (ع) بسیار روزه میگرفت و نماز میگزارد و به حج میرفت و صدقه میداد و همه کارهای پسندیده را انجام میداد.شخصیت حسین بن علی (ع) آنچنان بلند و دور از دسترس و پرشکوه بود که وقتی با برادرش امام مجتبی (ع) پیاده به کعبه میرفتند، همه بزرگان و شخصیتهای اسلامی به احترامشان از مرکب پیاده شده، همراه آنان راه می پیمودند. [۲۹] .احترامی که جامعه برای حسین (ع) قائل بود، بدان جهت بود که او با مردم زندگی میکرد - از مردم و معاشرتشان کناره نمی جست - با جان جامعه هماهنگ بود، چونان دیگران از مواهب و مصائب یک اجتماع برخوردار بود، و بالاتر از همه ایمان بی تزلزل او به خداوند، او را غمخوار و یاور مردم ساخته بود.و گرنه، او نه کاخهای

مجلل داشت و نه سربازان و غلامان محافظ، و هرگز مثل جباران راه آمد و شد را به گذرش بر مردم نمی بستند، و حرم رسول الله (ص) را برای او خلوت نمیکردنـد...این روایت یـک نمونه از اخلاق اجتماعی اوست، بخوانیم: روزی از محلی عبور میفرمود، عده ای از فقرا بر عباهای پهن شده شان نشسته بودند ونان پارهه ی خشکی میخوردند، امام حسین (ع) می گذشت که تعارفش کردند و او هم پذیرفت، نشست و تناول فرمود و آن گاه بیان داشت: ان الله لا یحب المتکبرین، [۳۰] خداوند متکبران را دوست نمیدارد.سپس فرمود: من دعوت شما را اجابت کردم، شما هم دعوت مرا اجابت کنید.آنهاهم دعوت آن حضرت را پذیرفتند و همراه جنابش به منزل رفتند.حضرت دستور داده ر چه در خانه موجود است به ضیافتشان بیاورند، [۳۱] و بدین ترتیب پذیرایی گرمی از آنان به عمل آمد، و نیز درس تواضع و انسان دوستی را با عمل خویش به جامعه آموخت.شعیب بن عبدالرحمن خزاعی میگوید: چون حسین بن علی (ع) به شهادت رسید، بر پشت مبارکش آثار پینه مشاهده کردند، علتش را از امام زین العابدین (ع) پرسیدند، فرمود این پینه ها اثر کیسه های غذایی است که پدرم شبها به دوش میکشید و به خانه زنهای شوهر مرده و کودکان یتیم و فقرا میرسانید. [۳۲] .شدت علاقه امام حسین (ع) را به دفاع از مظلوم و حمایت از ستمدیدگان میتوان در داستان ارینب و همسرش عبدالله بن سلام دریافت، که اجمال و فشرده اش را در این جا متذکر میشویم: یزید به زمان ولایتعهدی، با این که همه نوع وسایل شهوترانی

و کـامجویی و کـامروایی از قبیل پول، مقام، کنیزان رقاصه و... در اختیار داشت، چشم ناپاک و هرزه اش را به بانوی شوهردار عفیفی دوخته بود.پـدرش معاویه به جای این که در برابر این رفتار زشت و ننگین عکس العمل کوبنـده ای نشان دهـد، با حیله گری و دروغ پردازی و فریبکـاری، مقـدماتی فراهم ساخت تا زن پاکـدامن مسـلمان را از خانه شوهر جـدا ساخته به بستر گناه آلوده پسـرش یزید بکشاند.حسین بن علی (ع) از قضیه باخبر شد، در برابر این تصمیم زشت ایستاد و نقشه شوم معاویه را نقش بر آب ساخت و با اسـتفاده از یکی از قوانین اسـلام، زن را به شوهرش عبدالله بن سـلام بازگرداند و دست تعدی و تجاوز یزید را از خـانواده مسـلمان و پـاکیزه ای قطع نمود و بـا این کـار همت و غیرت الهی اش را نمایـان و علاـقه منـدی خودرا به حفظ نوامیس جامعه مسـلمانان ابراز داشت، و این رفتار داسـتانی شـد که در مفاخر آل علی (ع) و دناءت و سـتمگری بنی امیه، برای همیشه در تاریـخ به یادگار مانـد. [۳۳] .علاـئلی در کتـاب سـمو المعنی مینویسـد: ما در تاریـخ انسان به مردان بزرگی برخورد میکنیم که هر کدام در جبهه و جهتی عظمت و بزرگی خویش را جهانگیر ساخته اند، یکی در شـجاعت، دیگری در زهد، آن دیگری در سـخاوت، و... اما شـکوه و بزرگی امام حسـین (ع) حجم عظیمی است که ابعاد بی نهایتش هر یک مشـخص کننده یـک عظمت فراز تاریـخ است، گویـا او جـامع همه والاییها و فرازمنـدیها است. [۳۴] .آری، مردی کـه وارث بیکرانگی نبـوت محمدی است، مردی که

وارث عظمت عدل و مروت پدری چون حضرت علی (ع) است و وارث جلال و درخشندگی فضیلت مادری چون حضرت فاطمه (س) است، چگونه نمونه برتر و والای عظمت انسان و نشانه آشکار فضیلتهای خدایی نباشد.درود ما بر او باد که باید او را سمبل اعمال و کردارمان قرار دهیم.امام حسین (ع) و حکایت زیستن و شهادتش و لحن گفتارش و ابعاد کردارش نه تنها نمونه یک بزرگمرد تاریخ را برای ما مجسم میسازد، بلکه او با همه خویشتن، آیینه تمام نمای فضیلتها، بزرگ منشی ها، فداکاریها، جانبازیها، خدا خواهی ها و خداجویی ها میباشد، او به تنهایی میتواند جان را به لاهوت راهبر باشد و سعادت بشریت را ضامن گردد.بودن و رفتنش، معنویت و فضیلت های انسان را ارجمند نمود.

پاورقی

[۱] در سال و ماه و روز ولادت امام حسین (ع) اقوال دیگری هم گفته شده است، ولی ما قول مشهور بین شیعه را نقل کردیم. ر.به. ک.اعلام الوری طبرسی، ص ۲۱۳.

[۲] احتمال دارد منظور از اسما، دختر یزید بن سکن انصاری باشد. ر.به. ک.اعیان الشیعه، جزء ۱۱، ص ۱۶۷.

[۳] امالی شیخ طوسی، ج ۱، ص ۳۷۷.

[۴] شبر بر وزن حسن، و شبیر بر وزن حسین، و مبشر بر وزن محسن، نام پسران هارون بوده است و بوده است و پیغمبر اسلام (ص) فرزندان خود حسن و حسین و محسن را به این سه نام نامیده است - تاج العروس، ج ۳، ص ۳۸۹، این سه کلمه در زبان عبری همان معنی رادارد که حسن و حسین و محسن در زبان عربی دارد - لسان العرب، ج ۶۶، ص ۶۰.

[۵] معانی الاخبار، ص ۵۷.

[۶]

در منابع اسلامی درباره عقیقه سفارش فراوان شده و برای سلامتی فرزند بسیارمؤثر دانسته شده است. ر. به. ك. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۴۳ به بعد.

[۷] کافی، ج ۶، ص ۳۳.

[۸] مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۴۶ - کمال الدین صدوق، ص ۱۵۲.

[۹] سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۳. [

[۱۰] ذخائر العقبی، ص ۱۲۲.

[۱۱] الاصابه، ج ۱۱، ص ۳۰.

[۱۲] سنن ترمذی، ج ۵، ص ۳۲۴ - در این قسمت روایاتی که در کتابهای اهل تسنن آمده است نقل شد تا برای آنها هم سندیت داشته باشد.

[۱۳] الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۳.

[۱۴] تذکره الخواص ابن جوزی، ص ۳۴ - الاصابه، ج ۱، ص ۳۳۳، آن طور که بعضی ازمورخین گفتهاند این موضوع تقریبا در سن ده سالگی امام حسین (ع) اتفاق افتاده است.

[۱۵] ارشاد مفید، ص ۱۷۳.

[۱۶] رجال کشی، ص ۹۴ - کشف الغمه، ج ۲، ص ۲۰۶.

[۱۷] مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۱۸۴ - لهوف، ص ۲۰.

[۱۸] روز هشتم ماه ذیحجه مستحب است که حاجیها به منی بروند، و در آن زمان به این حکم استحبابی عمل میکردند، ولی در زمان ما مرسوم شده است که از روز هشتم یکسره به عرفات میروند.

[۱۹] کامل الزیارات، ص ۶۸ به بعد - مشیر الاحزان، ص ۹.

[۲۰] لهوف، ص ۵۳.

[۲۱] کامل الزیارات، ص ۱۰۵.

[۲۲] کامل الزیارات، ص ۱۰۱.

[۲۳] کامل الزیارات، ص ۱۲۱.

[۲۴] کامل الزیارات، ص ۱۴۷.

[۲۵] عقد الفرید، ج ۳، ص ۱۴۳.

[۲۶] ارشاد مفید، ص ۲۱۴.

[۲۷] مناقب ابن شهرآشوب، ج ۳، ص ۲۲۴ - اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۰.

[۲۸] اسد الغابه، ج ۲، ص ۲۰.

[۲۹] ذکری الحسین، ج ۱، ص ۱۵۲، به نقل از ریاض الجنان،

چاپ بمبئی، ص ۲۴۱ –انساب الاشراف.

[۳۰] سوره نحل، آیه ۲۲.

[۳۱] تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۷.

[۳۲] مناقب، ج ۲، ص ۲۲۲.

[۳۳] الامامه والسیاسه، ج ۱، ص ۲۵۳ به بعد.

[۳۴] از کتاب سمو المعنی، ص ۱۰۴ به بعد، نقل به معنی شده است.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹